

## ۱. ژیل کلمان، باغبان منظرساز

منظر، دانشی میان‌رشته‌ای است که وجه غالب آن هنر است. کار هنر؛ آفرینش و صورت‌بخشی به اندیشه و مفهوم مجرد است. آن‌گاه که معنایی "بی‌صورت"، همچون خلوت، شکوه و صمیمیت در عالم ماده «صورت» می‌یابد و متولد می‌شود، هنر زاده شده است. کار هنر تجسمی (نقاشی، معماری، منظرسازی و سایر هنرهایی که در تولید خود با مصالح و ماده سروکار دارند) صورت‌بخشی به مفاهیم و معانی مجرد و بیان ادراکات مجردی است که به واسطه تجربه، تأمل و شهود در ذهن او پدید آمده است.

اگرچه، سابقه «ژیل کلمان» در باغبانی، رویکرد او را در منظرسازی پدید آورده است، اما ذوق و تبحر کلمان در فضا سازی و آفرینش منظر، مرهون تأمل و تجربه اوست. کلمان در تبلور بخشیدن به نظریه‌های منظر و ساخت و پرداخت فضاهایی که عوام بفهمند و خواص بپسندند، موفقیت زیادی داشته است. طراحی او در پارک سیتروئن، طرحی موفق و درعین حال بدیع است که حاکی از نگاه عمیق و فلسفی او به پایان مدرنیسم است. ژیل کلمان در منظرسازی، نظریه‌هایی را مطرح کرده که وابسته به سابقه او در حوزه گیاه‌شناسی است. آنچنان که «برنارد لاسوس»، در خلق آثار خود و ارائه نظرات فلسفی منظر، رنگی از هنرهای تجسمی را دارد، کلمان از پیشینه گیاه‌شناسی بهره می‌برد. ایده جهان‌باغ، که کره زمین را باغ و میراث طبیعت برای انسان‌ها می‌بیند، ناظر به اصالت طبیعت و بخش سبز آن در جهان‌بینی اوست. کلمان؛ نظریه‌پرداز، منظرساز و معلم بزرگی است که با مهربانی دعوت «منظر» را برای گفتگو پذیرفت.

تحسین او نسبت به تمدن و باغ ایرانی نشانه دانش و اخلاق نیکوی اوست که برای ایرانیان مسئولیت‌آور است. تعبیر غرور آفرین ژیل کلمان نسبت به باغ ایرانی، آن‌گاه که بدانیم کارهای عمیقی برای شناخت و معرفی آن انجام نشده، مایه شرمساری می‌شود. امید که این نقص در آینده نزدیک جبران شود.

## ۲. «برنارد لاسوس» در واکنش به شماره ۱۳ مجله منظر طی یادداشتی ضمن تشکر به نکاتی اشاره کرده که ذکر برخی از آنها برای خوانندگان

منظر مفید است :

"مجله شما دارای ارائه‌ای عالی و انتخاب خوب عکس است. کلیت مجله به شدت مورد توجه من قرار گرفت."  
"حقیقتاً باور دارم که منظر، رشته‌ای برای آینده است. چنانچه ما توان آن را داشته باشیم که با مفاهیم و نگاه جدید و بنیادی به آن نظر افکنیم، ساماندهی سرزمین‌هایمان در ارتباط نوین از فضای شهری و روستایی شکل خواهد گرفت و قلمرو زیست فردای ما را خواهد ساخت."  
"شایسته است برای تداوم هدف مشترک منظرین‌مان مجله را برای یونسکو، ایفلا، وزارت فرهنگ فرانسه، وزارت توسعه پایدار فرانسه، شورای اتحادیه اروپا، مدرسه عالی منظر ورسای بفرستید".

## ۳. منظر ایرانی

درخت، در باور اسطوره‌ای ایرانیان، شیء نیست. از این‌روست که در نواحی باستانی ایران، نمونه‌های متنوعی از درختان مقدس یافت می‌شود که در طول اعصار، محیط خود را به عنوان "مکانی" خاص برای تمرکز و ارتباط با آسمان تعریف کرده است.  
درخت مقدس در باور ایرانی باستان، نماد قدرت بیکران و خالق هستی بود. ودیعه و فرستاده او برای زمینیان بود که نشانه رحمت و نعمت آسمان به شماره می‌آمد. سرو کاشمر که به حسب روایت افسانه‌ها، سوغات بهشت بود که زرتشت به زمین آورده بود و هزاران درخت مقدس دیگر که در مرکز روستاها و شهرها، مکان مقدس را همراهی می‌کنند "منظر" خاصی به فضاهای جمعی ایرانیان می‌دهند.  
اعتلای مقام درخت در فرهنگ اسلام از «نشانه» که هویت خود را از واقعه یا حادثه وام می‌گیرد به "آیت" خداوند، که همچون تصویر در آینه، به معنای مقام تنزل‌یافته اوست، «درخت» را همچنان به عنوان عنصر معنابخش به مکان و منظر حفظ کرده است.  
«سید محمدباقر منصوری» در روایت خود از منظر ایرانی، درخت مقدس ماسوله را انتخاب کرده است: پلکانی دست‌ساز که در دل صخره کنده شده تا راه را یکسره به مقصود برساند، درختی با شاخه‌های مملو از انرژی طبیعت بر بالای راه سر بر آسمان ساییده. فرم کاملاً آزاد شاخه‌ها که رد هیچ هرس و دخالت انسانی را بر خود ندارد از ارج و قرب درخت حکایت می‌کند که همچون موجودی مقدس، انسان‌ها به آن دست‌اندازی نمی‌کنند.  
تنهایی درخت بر فردیت و مقام او می‌افزاید. مکان‌گزینی آن در نقطه‌ای اختصاصی برای او هاله‌ای از فضای معنوی آفریده که در طول تاریخ و در همه دوران‌ها برای مسلمانان و در سنت زیست آنها محترم شمرده می‌شده؛ زیرا فواید آن برای تنظیم احساسات جامعه شناخته شده است.  
حالت وحشی علف‌ها، زمینی ساخته‌نشده، مجرد و فردیت منظر این درخت در ورودی روستا و بر بلندی تپه‌ای که حریم آن است، فضایی عمومی و معنوی را پدید آورده است. منظر تک‌درخت کهنسال در نقطه‌ای استراتژیک از شهرها و روستاهای ایران که فضایی جمعی در پیرامون خود پدید آورده، نمونه بارز منظر ایرانی است.

سر دبیر

سید امیر منصوری

amansoor@ut.ac.ir